بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 26 بهمن 1394.

26/ 11/ 94 ادامه بحث علی بن حدید

ادامۀ بحث علی بن حدید

در جلسه قبل به بررسی روایات رجال کشی پرداختیم و وجهی برای اعتماد کشی به روایتی که در ذم یونس و در نتیجه اعتماد به علی بن حدید ذکر کردیم. اما واقعیت این است که معلوم نیست کشی این روایت را معتبر می دانسته است و ممکن است مراد کشی این باشد که بر فرض صدور روایت هم این تضعیف فقط جنبۀ ظاهری دارد و همانطور که فضل بن شاذان گفته علی بن حدید در باطن میل به یونس داشته است و در ظاهر مصلحت نمی دانسته که پشت سر یونس و اصحابش نماز خوانده شود. بنابراین این روایت را نمی توان به عنوان دلیل ذکر کرد بلکه به عنوان مؤید مناسب است. به نظر می رسد همانطور که گذشت از راه اکثار روایت احمد بن محمد بن عیسی می توان علی بن حدید را توثیق کرد.

نکته ای که در تکمیل بحث از روایت ابی علی بن راشد که در جلسه قبل مورد بررسی قرار گرفت و اشکال سندی به آن شد، باید ذکر کرد اینکه این روایت در کتاب کافی با سند صحیح وارد شده است. البته متن روایت با دشواری و ابهام مواجه است که به آن می پردازیم.

**علی بن محمد عن سهل بن زیاد، عن علی بن مهزیار عن ابی علی بن راشد قَالَ قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ ع إِنَّ مَوَالِیَکَ قَدِ اخْتَلَفُوا فَأُصَلِّی خَلْفَهُمْ جَمِیعاً فَقَالَ لَا تُصَلِّ إِلَّا خَلْفَ مَنْ تَثِقُ بِدِینِهِ ثُمَّ قَالَ وَ لِی مَوَالٍ فَقُلْتُ أَصْحَابٌ فَقَالَ مُبَادِراً قَبْلَ أَنْ أَسْتَتِمَّ ذِکْرَهُمْ لَا یَأْمُرُکَ عَلِیُّ بْنُ حَدِیدٍ بِهَذَا أَوْ هَذَا مِمَّا یَأْمُرُکَ بِهِ عَلِیُّ بْنُ حَدِیدٍ فَقُلْتُ نَعَمْ‌**[[1]](#footnote-1)

علی بن محمد که راوی از سهل است، علان کلینی است که در وثاقتش بحثی نیست. و سهل بن زیاد را نیز تصحیح می کنیم. بنابراین این روایت طبق مبنای ما صحیحه است. اما متن این روایت تا عبارت ثم قال مشکلی ندارد و واضح است. از عبارت ثم قال و لی موال تا انتهای روایت دچار مشکل و ابهام است. برای توضیح این قسمت از عبارت کلام مرحوم مجلسی در مرآه العقول[[2]](#footnote-2) را ذکر می کنیم. البته در بعض نسخ کافی به جای عبارت (فقلت نعم) ، (فقال نعم) آمده است.

ایشان عبارت را اینگونه معنا کرده اند: راوی می گوید که سوال کردم ان موالیک قد اختلفوا فاصلی خلفهم جمیعا؟ شیعیان شما اختلاف کرده اند آیا پشت سر همۀ آن ها می توانم نماز بخوانم یا خیر؟ حضرت فرمودند: فقط پشت سر کسی که (تثق بدینه) می توانی نماز بخوانی. **(ثم قال)** امام علیه السلام فرمود (**و لی موالٍ)** مرحوم مجلسی می گویند که مراد از عبارت (و لی موالٍ) یعنی من موالی خوبی دارم چرا پشت سرشان نماز نمی خوانید. (**فقلت اصحاب)** راوی می گوید می خواستم بگویم که این موالی خوبی که شما می خواهید بگویید اصحاب هشام یا اصحاب یونس و امثال اینها جزو این دسته هستند. حضرت نگذاشتند کلامم را تکمیل کنم و فرموند (**لا)**. به این معنا که کلامت را ادامه نده. بعد فرمودند: (**یأمرک علی بن حدید بهذا**

**أو هذا مما یأمرک به علی بن حدید)**. یعنی برو پیش علی بن حدید و از او سوال کن تا آن موالی که می شود پشت سرشان نماز خواند را به تو معرفی می کند. (**فقلت نعم)**، راوی می گوید: گفتم چشم به سراغ علی بن حدید می روم. عبارت مرحوم مجلسی چنین است: ایشان بعد از ذکر دو روایت کشی می فرمایند**: فیظهر مما نقلنا إن قوله علیه السلام" لا" نهی عن تسمیة الأصحاب و تفصیل ذکرهم فإن قوله علیه السلام" لی موال" أی لی موال صلحاء مخصوصون فلم لا تصلی خلفهم؟ فأراد أن یقول: أصحاب هشام أو أصحاب یونس منهم فأجاب علیه السلام علیه السلام قبل إتمام الکلام و نهاه عن ذکرهم مفصلا، ثم قال: یأمرک علی بن حدید أی سل علی بن حدید یأمرک بما یجب علیک العمل به**

به نظر مشکل در مرجع ضمیر هذا یأمرک به علی بن حدید است که باید مشخص شود و برای ما هم معلوم نیست. و به نظر می رسد تحریفی در این عبارت رخ داده که باعث عدم وضوح شده است. البته ما هم به گونه ای عبارت را معنا می کنیم که ذیل عبارت معنای واضحی ندارد. معنای عبارت اینگونه است که ابی علی بن راشد می گوید: **ان موالیک قد اختلفوا.** کلمه موالی دو معنا دارد. یک معنای شایع موالی یعنی خدمتکاران و بندگان آزاد شده. و معنای دوم به معنای شیعیان امام(ع). امام(ع) از سؤال ابی علی بن راشد اینگونه برداشت کرده اند که خدمتگذارانشان با هم اختلافاتی دارند لذا به صورت استفهامی فرمودند **و لی موال.** یعنی من خدمتگذارانی دارم که با هم اختلاف دارند. ابی علی بن راشد به حضرت می گوید: **فقلت اصحاب**. مراد من از موالی، شیعیان شماست نه معنای متعارف. بعد خواستم توضیح دهم که این اختلافی که اینها دارند اصحابی که اختلاف کرده اند هر کسی چه می گوید. **فقال مبادرا قبل استتمّ ذکرهم**. قبل از اینکه ذکر اصحابی که اختلاف کرده اند را کامل کنم امام علیه السلام فرمود لا یأمرک علی بن حدید بهذا أو هذا مما یأمرک به علی بن حدید. که این قسمت عبارت معنای واضحی ندارد و احتمال تحریف در آن وجود دارد.

البته شاید بتوان نقل های کشی را که اشکال متنی نداشتند به وسیلۀ این روایت تصحیح کرد و اصل این اختلاف و ارجاع به علی بن حدید را ثابت کرد.

بررسی ادامۀ کلام سید بحرالعلوم

در جلسۀ گذشته به کلام سید بحرالعلوم پرداختیم. در این جلسه به قطعۀ دیگری از کلام بحرالعلوم در مورد علی بن حدید می پردازیم. ایشان در مقام توثیق علی بن حدید می فرمایند: **و مما یشیر الی الوثوق به- مع کثرة روایاته و سلامتها-: روایة الثقات و الأجلاء عنه کابن أبی عمیر، و احمد بن محمد بن عیسی، و الحسین ابن سعید، و علی بن مهزیار، و محمد بن الحسین بن أبی الخطاب، و محمد ابن عبد الجبار، و غیرهم**[[3]](#footnote-3). ایشان به دو راه برای وثاقت علی بن حدید اشاره می کنند. **راه اول:** بحث کثرت روایات راوی را به عنوان یکی از امارات وثاقت گرفته است. البته همانطور که در جای خود بررسی شد کثرت روایت شخص دلیل بر وثاقت او نیست بله با این قید که روایت هایش سالم باشد همانطور که ایشان فرمودند می تواند راهی برای اطمینان به وثاقت شخص باشد. توضیح ذلک اینکه برای فهمیدن

وثاقت شخص یک راه عقلائی این است که نقل هایش را بسنجیم که آیا طبق موازین هست یا خیر؟ و بعید نیست این یک راه عقلائی برای اطمینان به وثاقت شخص باشد.

**راه دوم:** بحث روایت اجلاء است که البته در صورتی دلیل بر وثاقت است که کثیر باشد. وکثرت هم باید به این اندازه ای باشد که عبارت یروی عن الضعفاء در صورت ضعیف بودن مروی عنه در مورد روای صدق کند و تنها کسی که به این نحو کثرت از علی بن حدید روایت دارد احمد بن محمد بن عیسی است و البته حسین بن سعید و علی بن مهزیار هم هر کدام حدود ده روایت دارند ولی کثیر نیست. در مجموع روایت این دو و بقیۀ اجلاء می تواند به عنوان مؤید باشد. البته در مورد ابن ابی عمیر اگر روایت کثیر هم نباشد دلیل بر وثاقت است. به این شرط که روایت ثابت باشد و روایت ابن ابی عمیر از علی بن حدید در یک جا از تهذیب و استبصار وارد شده است که آن هم اشکال دارد. سند روایت چنین است: **الْحُسَیْنُ بْنُ سَعِیدٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَدِیدٍ عَنْ جَمِیلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا ع**[[4]](#footnote-4)

در این روایت قطعا تحریف رخ داده است و صورت صحیح سند اینچنین است: الحسین بن سعید عن ابن ابی عمیر و علی بن حدید یعنی علی بن حدید عطف به ابن ابی عمیر است. توضیح ذلک اینکه ابن ابی عمیر و علی بن حدید هر دو جزو مشایخ حسین بن سعید هستند و حسین بن سعید مکرر از این دو روایت می کند و هر دو اینها معطوفا از جمیل بن دراج مکرر روایت می کنند و حسین بن سعید هم مکرر از این دو معطوفا نقل کرده است. برای نمونه به چند سند اشاره می کنیم. حسین بن سعید عن ابن ابی عمیر و علی بن حدید عن جمیل بن دراج عن بعض اصحابنا عن احدهما علیه السلام[[5]](#footnote-5)، در دو مورد از تهذیب این سند وارد شده است که از لحاظ متنی هم شبیه همین روایت است و احتمال دارد یک روایت باشد. به این ترتیب یکی از نقض هائی که در بحث وثاقت مشایخ ابن ابی عمیر وارد شده مرتفع می شود البته بدون در نظر گرفتن وثاقت علی بن حدید که آن را قبول داریم.

استدلال به عبارت نجاشی برای اثبات وثاقت علی بن حدید

بعد مرحوم سید بحر العلوم می فرمایند: **و کذا روایة علی بن الحسن بن فضال لکتابه و قد قال النجاشی: «إنه قل ما روی عن ضعیف»**

توضیح عبارت سید این چنین است که علی بن فضال بنابر نقل نجاشی در رجالش[[6]](#footnote-6) کتاب علی بن حدید را روایت کرده است، و علی بن فضال شخصی است که نجاشی در حق او اینگونه تعبیر کرده است که: قل ما روی عن ضعیف[[7]](#footnote-7) یعنی بسیار کم از ضعیف نقل می کند بنابراین علی بن حدید نباید ضعیف باشد. چون اگر ضعیف باشد این عبارت نجاشی در حق علی بن فضال صادق نیست.

در نقد این استدلال باید گفت: فقط نجاشی است که کتاب علی بن حدید را از محمد بن حسین بن ابی الخطاب عن علی بن فضال روایت می کند. و در هیچ جا روایت علی بن حسن بن فضال از علی بن حدید نقل نشده است. مخصوصا با توجه به این نکته که کتب علی بن حسن بن فضال از کتب اصلی طائفه و جزء

مصادر اصلی کتاب تهذیب شیخ است و بعضی از کتاب هایش را شیخ و نجاشی درس گرفته اند. همچنین در تهذیب جلد 8 صفحه 100 رقم 338 و رقم 344 علی بن حسن با دو واسطه از علی بن حدید نقل کرده است. سند تهذیب چنین است: علی بن حسن عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَدِیدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع وَ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (ع)‏

علاوه بر آنکه طریقی که نجاشی ذکر کرده است مشکل دیگری هم دارد؛ اینکه نه تنها محمد بن حسین بن ابی الخطاب هیچ جا از علی بن فضال روایت ندارد. بلکه برعکس علی بن فضال از محمد بن حسین بن ابی الخطاب نقل می کند. به عنوان مثال در چند جای تهذیب علی بن حسن بن فضال عن محمد بن حسین عن محمد بن ابی عمیر روایت دارد[[8]](#footnote-8). با توجه به مطالب فوق و با توجه به اینکه محمد بن حسین مستقیم از علی بن حدید نقل می کند باید گفت که در طریق نجاشی به کتاب علی بن حدید اشباهی رخ داده است و به نظر می رسد علی بن فضال در وسط سند زیاد شده باشد. و این تحریف و زیاده در سند به این شکل اتفاق افتاده است که کلمه علی بن حدید در بعضی از نسخ به علی بن فضال تبدیل شده است، یعنی کلمه حدید به فضال تحریف شده است و بعد از آن جمع بین نسخه مصحح و نسخه محرف که یکی از تحریفات شایع در نسخ است رخ داده است. و این نکته که اسم علی بن فضال در اسناد بسیار نادر است بلکه به صورت علی بن حسن شایع است می تواند وجود این تحریف را تقویت کند.

البته ذکر یک نکته ای به نظر مفید می رسد؛ اینکه ظاهرا اختلافاتی در مشی حدیثی یونس و مخالفینش وجود داشته است. کشی در شرح حال یونس از یعقوب بن یزید نقل می کند که یونس بن عبدالرحمن می گفت که من این روایت هایی که دارم سماع نکردم. عبارت کشی چنین است: **جَعْفَرُ بْنُ مَعْرُوفٍ، قَالَ سَمِعْتُ یَعْقُوبَ بْنَ یَزِیدَ، یَقَعُ فِی یُونُسَ وَ یَقُولُ کَانَ یَرْوِی الْأَحَادِیثَ مِنْ غَیْرِ سَمَاعٍ**[[9]](#footnote-9)**.**

احتمال این وجود دارد که بحثی که در مورد کفایت وجاده در نقل حدیث است باعث بعضی اختلافات شده باشد شبیه بحثی که در مورد محمد بن سنان وجود دارد که ایوب بن نوح می گوید احادیث محمد بن سنان وجاده است[[10]](#footnote-10) و همچنین اشکالی که احمد بن محمد بن عیسی در مورد روایت حسن بن محبوب از ابی حمزه ثمالی می کرده است به نظر امثال احمد بن محمد در روش حدیثی سختگیری بیشتری داشته اند.

نتیجه گیری بحث

در مجموع با توجه به اینکه مرحوم شیخ و دیگران در کتب رجالی خود ضعفی برای علی بن حدید ذکر نکرده اند و فقط ضعف در کتاب حدیثی شیخ صورت گرفته و از طرفی خود مرحوم شیخ هم در یک جای دیگر تهذیب[[11]](#footnote-11) در سند اشکال کرده اما به علی بن حدید اشکال نکرده نمی توان به این تضعیف شیخ اعتنا کرد. بنابراین با توجه به اکثار روایت احمد بن محمد بن عیسی و همچنین مجموع قرائن دیگر از جمله روایت اجلاء

و روایت کشی و کلماتی که از حاجی نوری و دیگران نقل شد می توان گفت که علی بن حدید از بزرگان و فقهاء بوده است.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

1. كافي (ط - دار الحديث)، ج‏6، ص: 325 [↑](#footnote-ref-1)
2. مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج‏15، ص: 256 [↑](#footnote-ref-2)
3. الفوائد الرجالية (للسيد بحر العلوم)، ج، ص: 405 [↑](#footnote-ref-3)
4. تهذیب جلد 7 صفحه 276 رقم 1171 و استبصار جلد 3 صفحه 159 رقم 575 [↑](#footnote-ref-4)
5. تهذیب جلد 7 صفحه 373 رقم 1509 و تهذیب جلد 10 صفحه 260 رقم 1025 [↑](#footnote-ref-5)
6. رجال‏النجاشي ص : 274 [↑](#footnote-ref-6)
7. رجال‏النجاشي ص : 257 [↑](#footnote-ref-7)
8. تهذيب‏الأحكام ج : 4 ص : 132 و همچنین تهذيب‏الأحكام ج : 7 ص : 316 [↑](#footnote-ref-8)
9. رجال کشی صفحه 493 رقم 945 [↑](#footnote-ref-9)
10. رجال‏الكشي ص : 506 [↑](#footnote-ref-10)
11. تهذیب جلد 1 صفحه 240 [↑](#footnote-ref-11)